

■ درد دل با همکاران داروساز

با سلام و عرض ارادات، باز هم با کوله باری از درد دل به سراغتان آمده‌ام، گویی باورم شده است "در زمانی که عملاً کاری از تو ساخته نیست، درد دل خود کاری در خور و بایسته است".

از شما می‌پرسم، آیا در چندین سال گذشته، هیچ بهبودی در وضعیت داروسازان جامعه مان احساس کرده‌اید؟ گمان نمی‌کنم فاصله این قشر تا جایگاه متناسب با دانش علمی شان (چه از لحاظ قانونی، اقتصادی، اجتماعی، امنیت

روانی ...) قابل انکار باشد.

حذف این فاصله و یا حداقل «کاهش آن» همت داروسازان را می‌طلبد. تا اینجای کار همه جا سخن از مسئولیت داروساز است، او مسئول کنترل علمی نسخ، کنترل تداخلات دارویی، تناسب دارو با بیماری و است. اما مسئولی فاقد اختیارات قانونی لازم، تنها سخن موجود این است که «داروساز می‌تواند نظرش را با پزشک معالج در میان بگذارد و البته او می‌تواند به نظر داروساز توجه کند و یا آن را به کناری بگذارد؛ حق اظهار نظری که هیچ گاه نمی‌توان

از «عوام الناس» هم سلب کرد.

طرح مسایل و مشکلات داروسازان و یا ارایه پیشنهاد برای ارتقا وضعیت کلی آنان، شاید اولین مرحله جهت همگرایی و تلاش برای حل آن‌ها باشد و تقاضای این حقیر به عنوان عضوی از این گروه، توجه بیشتر همکاران به مسایل صنفی داروسازی است.

در این راستا پیشنهاد می‌شود:

۱- وظایف قانونی داروساز در داروخانه از حالت نظارت استطلاعی به استصوابی تغییر یابد.

۲- بر حق داروساز جهت معاینه بیماران سرپایی و تجویز دارو (البته با تعیین لیست داروهای مجاز) تاکید شود. (در حال حاضر داروهای OTC را داروساز می‌تواند با درخواست بیمار و رعایت شرایط آن به بیمار متقاضی تحویل دهد، در حالی که داروساز غیر شاغل در داروخانه قانوناً اجازه تجویز و یا نوشتن آن‌ها را ندارد)

۳- تلاش شود لیست دارویی مجاز داروسازان مورد قبول بیمه‌ها واقع شود.

عملی شدن پیشنهاد شماره ۲ و ۳ ضمن ارتقا وضعیت اجتماعی داروسازان، به قانونمندتر شدن مصرف دارو، صرفه‌جویی در وقت و هزینه بیماران نیز منجر خواهد شد.

۴- در حالی که دریافت حق فنی، امری کاملاً قانونی است، بیمه‌ها هیچ تعهدی در قبال آن ندارند. هماهنگی داروسازان و تلاش مضاعف جهت پذیرش درصدی از حق فنی علاوه بر کمک به بیماران، به بهبود جایگاه داروسازان نیز کمک خواهد کرد.

۵- پیشنهاد می‌شود، انجمن داروسازان، وکالت داروسازان را در عقد قراردادهای پذیرش و یا عدم پذیرش دستورالعمل‌های بیمه‌ها را بر عهده بگیرد. با این توصیف، بیمه‌ها حق برخورد مستقیم با داروخانه‌ها و الزام آنان به پذیرش یک جانبه دستورالعمل‌ها را نخواهند داشت.

۶- امنیت روانی، امکان تاسیس داروخانه و انتخاب محل کار و زندگی، حق داروساز است. عدم قابلیت پیش‌بینی زمان تاسیس و قرار گرفتن در لیست انتظار بدون سقف زمانی معین، امنیت روانی داروسازان را به شدت به مخاطره می‌اندازد. به نظر می‌رسد راه حل نهایی، پذیرش تاسیس داروخانه به محض فراهم شدن شرایط امتیازی لازم و حذف همیشگی لیست انتظار باشد.

اگر قرار است از به مخاطره افتادن شرایط اقتصادی همکاران شاغل (به طور کلی) جلوگیری کنیم، تلاشمان را بر عدم پذیرش دانشجوی متمرکز کنیم. در شرایط فعلی نیز در مقابل جاذبه شهرهای بزرگ و هجوم اولیه افراد، مزیت‌های اقتصادی مناطق محروم و شهرهای کوچک (ناشی از افزایش تعداد داروخانه در شهرهای مرکزی و اکراه اولیه جهت تاسیس داروخانه در مناطق محروم و شهرهای کوچک) تعادل لازم را ایجاد خواهد کرد.

ترتیب حیدریه - دکتر علی ربابی - داروساز

■ یاد استاد فقید

« رازی تیر ماه را ورق می‌زدیم ناگهان به صفحه‌ای رسیدیم که خشکم زد و از ورق زدن صفحات بازماندم. خبر کوتاه بود: دیده فرو

بستن استاد دکتر آدرنگی! اما بس جانکاه.
به یاد دوران دانشجویی خودم در دانشکده داروساز تبریز افتادم. چهره استاد گرانقدر دکتر مسعود آدرنگی در نظر مجسم شد با همان وقار و مهربانی همیشگی.
شاید یک سال قبل بود که خبر درگذشت استاد گرامی دکتر جواد فرید را در ماهنامه دارویی رازی خواندم.
این هر دو استاد مسلم داروسازی صنعتی بودند و با رفتن ایشان ضایعه‌ای بس سنگین به جا مانده است برای داروسازی تبریز.
یادم است در اوایل دوران دانشجویی بودیم که همیشه این دو بزرگواری را می‌دیدیم که به محض ورود به دانشکده راهی زیرزمین می‌شدند تا این که یک روز از دانشجویان قدیمی‌تر سؤال کردیم راجع به این دو عزیز و تازه متوجه شدیم که این دو چه نعمت بزرگی برای دانشکده هستند. در واقع دو دانشمند بی‌سر و صدا، متواضع و فروتن اما کوشا و فعال و سرزنده، به ظاهر گوشه‌ عزلت اختیار کرده بودند در آن زیرزمین اما فی الواقع شاید پرچنب و جوش‌تر از ایشان در عرصه علمی وجود نداشت.

قلم در وصف ایشان ناتوان است
که خود اهل قلم بود و توانا
کلاس درس او تعطیل گشته است
خدایا صبر ده، تشنگان را
در شماره مهر ماه نیز خبر درگذشت ابرمرد
صنعت داروسازی کشور دکتر غلامعلی عبیدی
را خواندم مصیبت پشت مصیبت. دوران
کودکیم یادم آمد. ضایعه‌ای در پیشانیم بود و
مدت‌ها مرا آزار می‌داد تا این که یکی از پمادهای
ساخت لابراتوار داروسازی ایشان به طرز
معجزه‌آسایی باعث بهبودی آن ضایعه شد و این
به عنوان یک نماد سمبولیک از کودکی برایم به
یادگار ماند.
در دورانی که تمام شرکت‌های داروسازی
ایران، خارجی بوده دکتر عبیدی وارد این میدان
شد و این افتخار را نصیب ما کرد و اولین
شرکت داروسازی وطنی را پایه‌ریزی نمود.
افسوس که ما حتی از اطلاع‌رسانی خبر
درگذشت چنین عزیزانی که برای مملکت افتخار
آفریده‌اند نیز دریغ می‌ورزیم. «بیش از این
چنین میاد»
«یادشان گرامی، راهشان پررهو باد»
تبریز-دکتر علی درخشنده-داروساز